

# نقش زنان در ایجاد بناهای مذهبی در پایتخت صفویان

نزهت احمدی<sup>۱</sup>

## چکیده

با توجه به آنکه مطالعات مربوط به زنان به بررسی‌های همه‌جانبه در ابعاد گوناگون نیاز دارد، چنین مطالعاتی می‌توانند جایگاه واقعی زنان را در تاریخ گذشته ما روشن سازند.

در این پژوهش، با محور قرار دادن اصفهان، پایتخت صفویان، به بررسی جایگاه زنان در ایجاد بناهای مذهبی پرداخته شده است، به ویژه آنکه با توجه به سیاست مذهبی خاندان صفوی، در این دوره فرصت مناسبی برای ایجاد بناهای خاص شیعه به دست آمده بود.

## مقدمه

اماکن مذهبی در هر جامعه بی‌شک، نمادی از دین و مذهب غالب در آن جامعه می‌باشند. از این رو، توسعه و گسترش این اماکن گویای توسعه و گسترش مذهب در جامعه است. با ظهور صفویان در ایران و رسمیت یافتن آیین تشیع در کشور، برای اشاعه و گسترش این آیین، تلاش‌های بسیاری از سوی حکمرانان جدید انجام پذیرفتند که از جمله آن‌ها، توجه به ساخت و مرمت اماکن خاص شیعیان بود.

در پی این هدف، مزار امامان و امام زادگان نه تنها بازسازی و مرمت گردیدند، بلکه بناهای باشکوهی بر آن‌ها ساخته و تأسیسات جانبی بسیاری بر آن‌ها افزوده شدند که هر یک به نوبه خود، بر رونق این اماکن می‌افزود. مساجد باشکوه و زیبایی احداث گردیدند و مدارس بسیاری صرفاً به نیت اشاعه آیین تشیع اثنی عشری در سراسر کشور ساخته شدند که برخی از آن‌ها شاه‌کارهایی از هنر و معماری عصر خود می‌باشند و نه تنها امروزه برجای مانده و مورد استفاده قرار می‌گیرند، بلکه گذر زمان از زیبایی آن‌ها چیزی نکاسته است.

همان‌گونه که گفته شد، بیشتر این بناهای باشکوه با حمایت دولت صفوی و از سوی خاندان سلطنتی و نیز رجال و درباریان و غالباً در پیروی از سیاست‌های حاکم و در چارچوب سنت حسنه «وقف»، ساخته شده‌اند. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌باشد، آن است که زنان در این ساخت و سازها چه نقشی داشته‌اند؟ آیا آنان نیز در این امر مشارکت کرده‌اند؟ اگر چنین است، دلیل و انگیزه آنان چه بوده است؟ همچنین می‌خواهیم بدانیم این زنان از کدام طبقه اجتماعی

بوده اند.

متأسفانه سکوت منابع تاریخی در مورد زنان، ما را از اطلاعات دقیق در باره اوضاع و احوال زنان در جامعه آن روز محروم می‌سازد. ما از میزان مشارکت زنان در امور جامعه تقریباً بی‌خبریم، اگرچه اطمینان داریم علی‌رغم سکوت منابع، نمی‌توان نقش زنان را نادیده گرفت و باید این واقعیت را پذیرفت که سکوت منابع صرفاً به دلیل عدم نقش آفرینی زنان نیست. ما بر این باوریم که زنان کم و بیش و به صورت پنهان و آشکار و بنا بر موقعیت اجتماعی و فرهنگی خود، در برخی امور اجتماعی فعالیت‌هایی داشته‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌خواهیم بدانیم جایگاه زنان در ایجاد بناهای مذهبی چه بوده است. فرضیه ارائه شده در این مقوله گویای آن است که زنان طبقات بالای جامعه به پیروی از سیاست‌های حاکم و نیز اعتباری که جامعه برای این مهم قایل بود، تا حد توان خود، در ایجاد بناهای مذهبی و نیز مرمت و پاس‌داری از آن‌ها کوشیده‌اند.

گاه دیدن نام بانویی حک شده بر یک کتیبه یا حتی سنگابی در یک مسجد یا مدرسه حضور زنان را در عرصه‌های اجتماعی یادآوری می‌کند. اگرچه هنوز به درستی بر روی این مسئله پژوهشی انجام نگرفته است، اما همین قدر اطلاعات ما را تا آن حد پیش می‌برد که بر حضور آنان واقف شویم و نامشان را در گذر تاریخ فراموش نکنیم.

در این مقاله نیز متأسفانه مجال برای جزئی‌نگری و جستجوی این نام‌های پراکنده وجود ندارد؛ این مقاله صرفاً تلاشی است برای نشان دادن جایگاه بانوان دوره صفوی در رونق بخشیدن به اماکن مذهبی شیعه. البته رویکرد اصلی بحث پایتخت صفویان، اصفهان، است که بنابر فرضیه ارائه شده، بیشترین زنان خاندان صفوی و زنان اشراف در آن ساکن بودند و خود شهر نیز حجم وسیعی از این‌گونه اماکن را در خود جای داده و تنها به صورت گذرا به برخی شهرهای دیگر اشاره شده است.

#### 1. انگیزه‌های ایجاد بناهای مذهبی

اصفهان دوره صفوی، به ویژه از زمانی که به عنوان پایتخت ایران برگزیده شد، ساخت و سازهای بسیاری را در خود دید که نه تنها چشم معاصرانش را خیره می‌ساختند، بلکه تا به امروز شکوه و جلال اصفهان عصر صفوی را در خود حفظ کرده‌اند. مسئله قابل توجه در اینجا آن است که بخش عظیمی از این ساخت و سازها به بناهای مذهبی تعلق داشت که بسیاری از آن‌ها به دلیل قداستشان، از درازدستی روزگار ایمن مانده و تا امروز پا بر جای هستند.

در رأس آن‌ها، مساجد، مدارس و بقاع متبرکه می‌باشند که به طور مستقیم با اندیشه تشیع پیوند دارند. البته بناهای دیگری نیز هستند که اگر چه به طور مستقیم ارتباطی با مذهب مردم

ندارند، اما از آنجا که بناهایی عام المنفعه هستند، به طور غیر مستقیم بی ارتباط با مسائل مذهبی نمی باشند و دست کم بانیان آن بناها قصدشان انجام عمل خیری بوده است که در جهان آخرت دستگیر آنان باشد؛ مانند سقاخانه، آب انبار، حمام، پل و مانند آن ها. اکثر قریب به اتفاق این بناها بر اساس سنت «وقف» ساخته شده اند و واقف ادعا کرده که هدفش از این عمل، قرب به درگاه خداوند و کسب توشه ای برای آخرت است.

بی شك، سخن گفتن از نیت واقعی واقفان کار آسانی نیست؛ چرا که می تواند از کسب اعتبار دنیوی تا کسب ثواب اخروی در نوسان باشد. ما اصل را بر گفته خود سازندگان بناها می گذاریم. در مورد هدف واقفان، تفاوتی میان زنان و مردان وجود ندارد و هر دو دسته اهداف و نیات مشابهی بیان کرده اند. البته بررسی نیت واقعی واقفان می تواند خود موضوع پژوهشی مستقل باشد.

همچنین از آن رو که توجه به اماکن مذهبی از سوی پیروان آیین های گوناگون، همیشه مورد توجه بوده است، دیگر تفاوتی میان زنان و مردان در این مورد دیده نمی شود. تنها تفاوتی که می تواند وجود داشته باشد، اختیار زنان در صرف دارایی های خودشان است؛ چرا که در برخی از جوامع، در دوره های گوناگون تاریخی گاه زنان به فرض داشتن اموالی از خود، هیچ گونه اختیاری در هزینه کردن آن ها نداشته اند و در واقع، آنان از استقلال اقتصادی محروم بوده اند.<sup>(۱)</sup>

البته این مورد در جوامع اسلامی کم رنگ بوده و زنان از لحاظ قوانین دینی حق داشته اند اموالی را که به خودشان تعلق دارد، به هر نحوی که می خواهند هزینه کنند، به ویژه درباره اموالی که از طریق مهریه به دست می آورند، کمتر مجبور به جواب گویی بودند. البته این واقعیت را نباید فراموش کرد که در بسیاری از جوامع، حتی همین حق قانونی و شرعی نیز بنا به دلایلی می تواند محدود و یا معدوم شده باشد. ولی چیزی که در جامعه عصر صفوی می بینیم، گویای آن است که دست کم زنان طبقات مرفه جامعه می توانستند در زمان حیات خود، بخشی از اموالشان را آن گونه که خود می خواستند هزینه کنند.

دادن هدیه و پیشکش و نذورات به اماکن مذهبی، تقریباً در تمامی دنیا رواج دارد. حتی تخصیص اموالی به صورت وقف بر این اماکن تقریباً عمومیت دارد. این هدایا و پیشکش ها می توانند مختصر و کم هزینه باشند، و ممکن است گران بها و پرهزینه باشند که در این مورد تفاوتی میان زنان و مردان دیده نمی شود و غالباً طبقات گوناگون اجتماع بنابر توان مالی خود، نذورات و پیشکش هایی به این اماکن تخصیص داده اند، و اگر می بینیم شمار مردان در تمامی این موارد بیشتر است، به دلیل عدم فعالیت اقتصادی و اجتماعی زنان و در نتیجه، توان مالی کمتر آنان است.

اما بی شك، احداث يك بناى مذهبی یا مرمت آن هزینه بسیاری در بر دارد که اگر به صورت مشارکت و همت عالی افراد آن جامعه نباشد، همه افراد سطوح مختلف جامعه، هر قدر هم که علاقه مند باشند، از عهده آن بر نمی آیند و غالباً چنین هزینه هایی از سوی کسانی انجام می گیرد که از توان مالی بسیاری برخوردارند. در این مورد نیز تنها تفاوتی که میان زنان و مردان وجود دارد، در تعداد آنان می باشد که این امر ناشی از آن است که زنان کمتر مصدر امور و فعالیت های درآمدزای اقتصادی<sup>۱</sup> بوده اند و در نتیجه، از توان مالی کمتری برخوردار بوده اند و طبیعتاً تنها زنان طبقات اشراف از طریق پدر یا همسر خود دارای ثروت های کلان می شدند. اما نکته جالب توجه در این دوره آن است که آنان خود اجازه هزینه کردن آن را داشتند و برای این کار مجبور به کسب اجازه از کسی نبودند. در واقع، جامعه این حق را برای آنان قایل بوده است.<sup>۱</sup>

## 2. بناهای مذهبی در پایتخت صفوی

با توجه به آنچه ذکر شد و با در نظر گرفتن اینکه بیشتر این گونه بانوان در دربار صفوی و در پایتخت زندگی می کردند، ساخت و سازهایی که در شهر اصفهان شده و یا توسط بانوان این شهر در سایر نقاط انجام گرفته، مورد توجهند. البته این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که بانیان بناهای مذهبی تقریباً بدون استثنا، کار خود را در چارچوب امور وقفی انجام داده اند؛ یعنی تقریباً هیچ بناى مذهبی پیدا نمی شود که نه تنها چیزی بر آن وقف نشده باشد، بلکه حتی هزینه نگه داری و مرمت آن هم از محل موقوفات تأمین نشده باشد. این مسئله ارتباط تنگاتنگی بین گسترش موقوفات و توسعه این گونه اماکن در جامعه ایجاد می کند.

به طور کلی، می توانیم فعالیت های زنان در ایجاد بناهای مذهبی را به چند بخش تقسیم کنیم: بناهای مربوط به مزار امامان و امامزادگان، مساجد و مدارس.

همان گونه که پیش از این گفته شد، بیشترین هزینه ای که صرف این اماکن شده از محل

موقوفات است. بنابراین، بهتر است برای شناخت این اماکن به سراغ وقف نامه ها برویم:

در اصفهان، بیش از 57 وقف نامه از دوره صفوی در بایگانی اداره اوقاف این شهر وجود دارند که در میان آن ها 17 وقف نامه از سوی بانوان خیر تنظیم شده اند. از میان این اسناد، 6 مورد بر مدارس علوم دینی وقف شده و 5 مورد بر امامان و امام زادگان تخصیص یافته اند. البته موارد دیگری نیز وجود دارند که به موضوع مورد بحث مربوط نمی شوند.

فهرست وقف نامه های بانوان در دوره صفوی موجود در اداره کل اوقاف اصفهان

تاریخ وقف	شماره ثبت	نام واقف	مورد مصرف
۱۰۴۹	۳۶۹	حاجیه خاور خانم	وقف بر اولاد، سهمی هم روضه خوانی
۱۰۵۷	۱۰۶	دلارام خانم	مخارج مدرسه جدّه کوچک
۱۰۵۷	۱۰۳	حوری نام خانم	مخارج مدرسه جدّه بزرگ
۱۰۷۱	۱۱۱	گوهرشاه بیگم	زائران و مجاوران حرم حضرت علی(ع) و امام حسین(ع)
۱۰۷۵	۶۹۷	خیرالنساء	وقف بر دخترش بدرجهان خانم
۱۰۷۹	۱۵۱	مادر شاه سلیمان	وقف بر عتبات عالیات
۱۰۸۳	۵۰	دده خاتون	وقف بر دخترش رضیه بانو خانم
۱۰۹۰	۲۷	مروارید خانم	وقف روشنائی و عطر اماکن متبرکه
۱۰۹۲/۱۰۷	۶	زبیده بیگم، دختر شاه سلیمان	وقف بر عتبات عالیات
۱۰۹۹	۲۷۹	مادر شاه سلیمان	وقف بر چهار تن از غلامان خودش
۱۱۰۰	۵۸۰	مادر شاه سلیمان	وقف بر امامزاده شمس الدین
۱۱۰۱	۸	بدر جهان خانم	وقف قسمی بر مدرسه جدّه کوچک و باقی بر فرزندان
۱۱۰۳	۵۲۱	زینب بیگم	وقف بر نیازمندان
۱۱۰۴	۳۷۶	عزّت نساء خانم	وقف بر مدرسه علمیه بیدآباد و میرزا حسین و طلاب شیعه
۱۱۱۳	۱۰۵	زینب بیگم	وقف بر مدرسه نیم آورد
۱۱۲۵/۳۱	۳	مریم بیگم، عمّه بزرگ شاه سلطان حسین	وقف جهت اطعام ماه رمضان و روضه خوانی امام حسین علیّه السلام در مدرسه مریم بیگم
۱۱۳۱	۴۰	حشمت النساء خانم، دختر محمدرضا منجم باشی	وقف سهمی جهت قرائت قرآن، سهمی جهت کنیزان و سهمی جهت امور خیر

این جدول گویای آن است که از میان وقف نامه های باقی مانده از زنان این دوره، 5 مورد بر امامان و امام زادگان و 6 مورد بر مدارس تخصیص یافته اند.

الف. مزار امامان و امام زادگان

به طور کلی، بقاع متبرکه و زیارتگاه ها همیشه مورد توجه زنان قرار داشته اند؛ آنان اموال بسیاری را، چه به صورت جزئی و چه به صورت مبالغ هنگفت، به این اماکن تخصیص داده اند. در دوره صفوی و رونق گرفتن تشیع در ایران، به دلیل قرار نداشتن بیشتر مقابر امام زادگان در

داخل مرزهای ایران، توجه بسیاری به حرم امام هشتم (علیه السلام) که در محدوده جغرافیایی ایران قرار داشت، شده است.<sup>۱)</sup> البته این بدان معنا نیست که شیعیان از هزینه کردن اموال خود بر مزار سایر امامان پرهیز کرده اند، به ویژه وقف بر حرم حضرت علی (علیه السلام) و حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) که مورد توجه بسیار واقفان قرار گرفته اند. ولی وقف بر مزار امام رضا (علیه السلام) و نیز امام زادگانی را که در داخل ایران بوده اند سرلوحه همت خود قرار داده اند.<sup>۲)</sup>

از این دوره، 5 وقف نامه از زنان اصفهان باقی مانده است که بر امامان و امام زادگان وقف شده اند. گوهرشاه بیگم در 1071 اموالی را برای زائران و مجاوران حرم حضرت علی (علیه السلام) و حرم امام حسین (علیه السلام) وقف نموده است.<sup>۳)</sup> در سال 1079 هجری قمری، مادر شاه سلیمان اموالی را برای عتبات عالیات وقف نموده است.<sup>۴)</sup> مروارید خانم، زن خیر دیگری است که در سال 1090 اموالی را برای روشنایی و عطرافشانی در اماکن متبرکه وقف کرده است.<sup>۵)</sup> وقف نامه ای نیز از دختر شاه سلیمان، زبیده بیگم و همسر محمدحسین پسر سلطان العلماء، باقی مانده<sup>۶)</sup> که بر عتبات عالیات وقف شده است.<sup>۷)</sup> همچنین در سال 1100 مادر شاه سلیمان طی وقف نامه ای جداگانه، اموالی را به امامزاده شمس الدین اختصاص داده است.<sup>۸)</sup>

#### ب. مساجد

از نکات قابل توجه آن است که در این دوره، زنان کمتر به ساخت مسجد توجه کرده اند و از هیچ مسجدی که صرفاً توسط زنان ساخته شده باشد، نشانی در دست نیست، در حالی که در همین دوره، زنان توجه ویژه ای به ساخت مدارس کرده اند.<sup>۹)</sup> علت این امر چه بوده، دقیقاً روشن نیست و نمی توان به راحتی در مورد آن قضاوت کرد. آیا آنان امر تعلیم را ارجح می دانستند؟ یا آنکه تعداد مساجد را نسبت به جمعیت شهروندان کافی تشخیص داده بودند؟ و یا آنکه ثواب مدرسه سازی را بیش از ثواب بنای مسجد می شمردند؟ به هر حال، هر چه بوده امروز برای ما مشخص نیست و نمی توانیم پاسخی قطعی بدان بدهیم.

البته بی شک می توان ادعا کرد که در همین دوره، هدایا، نذورات و گاه موقوفاتی کم بهاتر مانند سنگاب، فرش و یا مبالغی برای روشنایی مساجد و بوی خوش آن ها از سوی زنان بر مساجد تخصیص یافته اند. اما متأسفانه مدارک زیادی، به ویژه در شهر اصفهان، در دست نیست و آنچه موجود است، نشان از توجه ویژه آنان به ساخت مدرسه دارد.

البته باید توجه داشت که بانیان بناهای مذهبی تقریباً بدون استثنا کار خود را در چارچوب امور وقفی قرار داده اند؛ یعنی تقریباً هیچ بنای مذهبی پیدا نمی شود که نه تنها چیزی بر آن وقف نشده باشد، بلکه هزینه نگه داری و مرمت آن هم از محل موقوفات تأمین نگردیده باشد. این مسئله ارتباط تنگاتنگی بین موقوفات و گسترش آن و توسعه این گونه اماکن در جامعه ایجاد می کند.

ج. مدارس

در اصفهان چندین مدرسه بزرگ و معتبر وجود دارند که توسط بانوان خیر برای اشاعه فرهنگ و شعائر آیین تشیع اثنی عشری ساخته شده اند. زنان در این زمینه تلاش بسیاری کرده اند که شاید بخشی از آن مرهون اندیشه و تعلق خاطر آنان به جنبه های تربیتی، و بخشی پیروی از سیاست های حاکم بر جامعه باشد.

به طور کلی، برخی از مدارس این دوره در میان بازار، که محل رفت و آمد بسیار و کسب و کار است، بنا شده اند. این امر می تواند پیوند نزدیک تحصیل و حرفه را نشان دهد و شاید برای سهولت استفاده از کلاس های درس و بهره بردن از آن ها این مدارس به عمد در درون بازارها بنا شده باشند.

1. مدرسه «جدّه کوچک»: مدرسه ای مشهور به مدرسه «جدّه کوچک» در داخل بازار بزرگ اصفهان وجود دارد که از سوی جدّه شاه عباس دوم و احتمالاً همسر شاه عباس اول و مادر صفی میرزا<sup>(۱)</sup> احداث شده است. تاریخ کتیبه سر در مدرسه، که با خط ثلث سفید بر روی کاشی لاجوردی و به قلم محمدرضا امامی نوشته شده است، تاریخ سال 1056 هـ. ق را نشان می دهد. اما تاریخ تنظیم وقف نامه سال 1057 هـ. ق است.<sup>(۱)</sup>

وصف «کوچک»، که در نام مدرسه آمده، بنابر شواهد و تحقیقات انجام شده، به فضای مدرسه مربوط است، نه به واقف آن. در واقع، چون در بازار اصفهان دو مدرسه به نام «جدّه» وجود دارد، مدرسه ای که از لحاظ وسعت بزرگ تر است، به مدرسه «جدّه بزرگ» و مدرسه ای که وسعت کمتری دارد، به مدرسه «جدّه کوچک» معروف شده است.<sup>(۱)</sup>

اتاق های طلبه نشین مدرسه در اطراف دو حیاط ساخته شده اند. در ورودی مدرسه در ضلع جنوبی واقع شده و در ضلع شمالی، در حیاط دوم، در یکی از غرفه ها کتیبه ای از سنگ مرمر به طول 95 سانتی متر و عرض 70 سانتی متر نصب شده است. بر این کتیبه، نام واقف، دلارام خانم، حک شده است. مکان آن در وقف نامه «جنب خان»، مشهور به «انار فروشان» ذکر شده که امروزه به بازار «قهوه کاشی ها» معروف است.

بانی — همان گونه که مرسوم زمان بود — علاوه بر ساختن خود مدرسه، مستغلاتی را برای تأمین مخارج آن و حفظ و بقای موقوفه در نظر گرفته است تا درآمد حاصل از آن صرف «مؤونات و مایحتاج بقاء موقوف علیه و معاش ساکنین شده» و واقف از ثواب آن بهره مند گردد. در واقع، واقف بقای موقوفه خود را بدین صورت تضمین کرده است که پس از دادن مالیات مقرر و پیش از هر کار دیگر، از درآمد حاصل شده خرج خود رقبات وقفی کنند تا مبادا آن ها ویران شده و در نهایت، مدرسه بدون درآمد مانده، متروک و ویران گردد.

نکته ای که در اینجا یادآوری آن ضروری به نظر می‌رسد این است که غالباً بانیان مدارس، تأسیس کتابخانه و وقف کتاب برای مدرسه خود را فراموش نکرده‌اند. این خانم نیز فهرستی از کتاب‌های وقفی را در پشت وقف نامه خود آورده است.<sup>(۱)</sup>

2. مدرسه «جدّه بزرگ»: این مدرسه در بازار بزرگ اصفهان واقع شده و از بناهای زمان شاه عباس سوم است.<sup>(۱)</sup> این مدرسه توسط جدّه شاه احداث و بر طلاب علوم دینی وقف شده است<sup>(۱)</sup> و هنوز نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنای آن دو طبقه است و در هر طبقه حجره‌هایی برای اقامت طلاب وجود دارند.

نام واقف این مدرسه، برخلاف مدرسه «جدّه کوچک»، در کتیبه مدرسه ذکر نشده و منابع نیز نام این بانو را ذکر نکرده‌اند. تنها در اصل وقف نامه ای که از این مدرسه باقی مانده، در حاشیه سمت راست، نام واقف با آب طلا نوشته شده است که متأسفانه کاملاً خوانا نیست، اما نزدیک‌ترین قرائت، حوری نام خانم می‌باشد. به احتمال قریب به یقین، این خانم همسر گرجی صفی میرزا، پسر شاه عباس اول است.

تاریخ تنظیم وقف نامه 1057 هـ. ق بوده،<sup>(۱)</sup> اما تاریخ اتمام بنا، طبق کتیبه سر در آن، که به خط ثلث سفید بر روی کاشی لاجوردی و به خط محمّرضا امامی نوشته شده، 1058 است.

در وقف نامه، پس از اشاره به «فانی بودن جهان»، تلاش واقف را برای کسب ثواب اخروی ذکر می‌کند و می‌گوید که وی مصمم می‌شود «با مفاتیح خیر و احسان» درهای «بهشت عنبر سرشت» را بر روی خود بگشاید. از این رو، از اموال خود مدرسه ای بنا می‌کند «مشمول بر حجرات تحتانیه و فوقانیه که محسود مدرسه افلاک و رشک خانقاه عناصر» باشند. این خانم مدرسه خود را بر «کافه طلبه علوم دینی، که به صفت ایمان موصوف باشند»، وقف کرده است. البته در ازای آن شرط کرده است که «در آنجا ساکن شده، به کسب علوم مشغول شوند تا ثواب آن به روزگار فرخنده آثار نواب واقفه مخدومه عظمی عاید گردد.»

همان گونه که پیش از این گفته شد، ساخت چنین بناهایی هزینه‌های زیادی طلب می‌کردند؛ ولی تنها مخارج این گونه بناها نبودند، بلکه هزینه‌های نگه‌داری، مرمت و مخارج جاری این بناها را نیز باید در نظر گرفت. بدین منظور، غالباً از سوی بانیان، مستغلاتی برای تأمین این مخارج وقف می‌شدند.

3. مدرسه «نیم آورد»: مدرسه دیگری که از دوران صفویان در بازار بزرگ اصفهان به یادگار مانده، مدرسه «نیم آورد»<sup>(۱)</sup> است. این مدرسه از مدارس زیبای این دوره است که هنوز پابرجا و مورد استفاده طلاب می‌باشد. این مدرسه تزئینات زیبایی از کاشی و به ویژه گچ بری دارد که در نوع خود بی نظیرند.

در اطراف سر در مدرسه، با خط ثلث سفید بر زمینه‌هایی از کاشی لاجوردی آیاتی از

سوره «اخلاص» و «اسراء» نقش بسته اند. همچنین آیاتی از قرآن با خط بنایی در سر در مدرسه دیده می شوند و نیز در داخل مدرسه و اطراف صحن و ایوان ها آیات و سوره هایی نوشته شده اند؛ از جمله در اطراف صحن مدرسه، تمام سوره «واقعه» و «اخلاص» با خط بنایی معرق مشکی بر زمینه آجری ترسیم شده است. همچنین اشعاری در زیر گچ بری های مدخل مدرسه با خط نستعلیق مشکی، گچ بری شده اند.<sup>(۱)</sup>

این مدرسه زیبا توسط بانویی به نام زینب بیگم، که همسر محمدمهدی حکیم الملک اریستانی بوده، احداث و بر «طلبه علوم دینی اثنی عشری» وقف گردیده است. سال دقیق احداث بنا در کتیبه های مدرسه قید نشده است، اما وقف نامه مدرسه<sup>(۲)</sup> در سال 1113 تنظیم شده است.<sup>(۳)</sup> ظاهراً این خانم، که همراه همسرش، حکیم الملک، به هندوستان رفته بود،<sup>(۴)</sup> در این سال تصمیم می گیرد از اموال خود مدرسه ای در اصفهان احداث نماید. وی انگیزه خود را از احداث مدرسه به این شکل بیان می کند که خداوند در هر دوره ای از زمان برای تعلیم و تعالی بشر انبیا را فرستاده است «که در افاده علم الهی و افاضه اصول دین»<sup>(۵)</sup> بکوشند. بنابراین، «بر هر يك از سرمایه داران مواهب ایزدی از هر صنف و مقوله واجبولازم است که موافق مقتضای مرتبه خویش، قیام بهوظایف شکرگزاری»<sup>(۶)</sup> کنند. واقف نیز این شکرگزاری را با بنای مدرسه ای در دارالسلطنه اصفهان، که هنوز پابرجا و یکی از زیباترین نمونه های معماری است، به انجام رساند.

واقف که بنابر شواهد در خارج از ایران به سر می برد، شخصی به نام حاجی محمد رشیدی اریستانی را وکیل خود قرار داد تا بر اجرای کار رسیدگی کند. اما طبق اظهار وقف نامه، چون «مالی که علیا حضرت مشارالیهها به او داده بود وفا ننمود، از مال خود قدری اضافه بر آن نموده»<sup>(۷)</sup> است.<sup>(۸)</sup>

ساعتی آفتابی، که در واقع دو کاشی آبی رنگ است و در بالای دیوار مدرسه، حد فاصل دو غرفه تعبیه شده، ظهر کامل را نشان می دهد.

4. مدرسه «مریم بیگم»: مدرسه مهم دیگری که در این دوره ساخته شد، اما متأسفانه امروز اثری از آن وجود ندارد، مدرسه «مریم بیگم» است که به نام واقف آن به این نام شهرت یافته. این بانو، که دختر شاه صفی<sup>(۹)</sup> و عمه شاه سلطان حسین بود، از زنان برجسته و صاحب نفوذ به شمار می آمد.

اصل وقف نامه این مدرسه در دست نیست،<sup>(۱۰)</sup> اما وقف نامه ای شامل رقبات وقفی که به مرور و طی چند نوبت بر مدرسه وقف شده و ممهور به مهر «مریم بیگم» است، در اداره اوقاف شهر اصفهان نگه داری می شود. اولین تاریخ این سند 1125 و آخرینش 1131 هـ. ق است. جابری انصاری تاریخ بنای مدرسه را سال 1105 آورده است،<sup>(۱۱)</sup> اما دکتر هنرفر تاریخ 1115 را بر اساس کتیبه سر در مدرسه، که در موزه ایران باستان نگه داری می شود، ذکر کرده که مطمئناً

به واقع نزدیک تر است.<sup>(۱)</sup>

مکان این مدرسه نزدیک محله «خواجو»، در مجاورت چهارسوی نقاشی، در اصفهان بوده است. ظاهراً این مدرسه علی رغم تمامی تلاش واقف آن برای حفظ و بقای مدرسه، خیلی زود از رونق افتاده است. علت این موضوع ذکر نشده است و تحقیقات بیشتری طلب می کند، ولی می توان این پرسش را مطرح کرد که آیا سخت گیری های قید شده در وقف نامه برای طلاب و مدرّسان، به ویژه دستورالعمل های واقف برای دروسی که در مدرسه اجازه تعلیم و تعلم داشتند<sup>(۲)</sup> و در واقع مدرسه را به لحاظ فکری کنترل می کردند، می توانند نابودی زود هنگام آن را باعث شده باشند؟

این خانم ظاهراً مدرسه دیگری نیز از خود به یادگار گذاشته که بر خلاف این مدرسه هنوز پابرجاست. این مدرسه در خوانسار قرار دارد و امروز به مدرسه «علوی خوانسار» اشتهار دارد.<sup>(۳)</sup>

از دو بانوی دیگر در اصفهان دوره صفوی نشان داریم که اگرچه خود سازنده مدرسه ای نبودند، اما اموال خود را بر مدارس موجود آن دوره وقف کرده اند: شخصی به نام بدر جهان خانم، به سال 1101 وقف نامه ای تنظیم کرده<sup>(۴)</sup> که طی آن بخشی از موقوفه خود را به مدرسه «جده کوچک» اختصاص داده است؛ همچنین بانوی دیگری به نام عزت نساء خانم در سال 1104 اموالی بر مدرسه علمیه «بیدآباد» و «میرزا حسین» و طلاب شیعه وقف نموده است.<sup>(۵)</sup>

البته بی شك مدارس دیگری نیز بوده اند، به ویژه که این دوره اوج مدرسه سازی بوده و گویا واقفان در رقابتی تنگاتنگ اقدام به ساخت مدرسه می کردند.

نکته پایانی

در پایان و با توجه به اسامی بانوان سازنده بناهای مذهبی، می توان چنین نتیجه گرفت که این بانوان نه تنها از طبقه متمول جامعه بودند، بلکه بیشتر به خاندان سلطنتی انتساب داشتند. همچنین این بانوان با اعتقاد بر امر رسمیت یافتن تشیع در ایران به گسترش آن از راه تبلیغات دینی و تربیت متخصصان مذهبی باور داشتند و در ایجاد زمینه مناسب برای اشاعه تشیع تلاش قابل ستایشی انجام دادند. آنان با ایجاد بناهای خاص شیعه و به ویژه توجه به امر ساخت مدرسه، که از لحاظ فکری می توانست جامعه را رهبری کند، دین خود را به جامعه ادا کردند و در واقع، آنان علی رغم خانه نشینی، خود را جدای از جامعه و منافع آن احساس نکردند و برای پیشبرد اهداف فرهنگی و مذهبی جامعه خود، از آنچه در توان داشتند مضایقه نکردند.